

## ماهیت نفقه زوجه و اقارب دین یا تعهد

امید خسروی<sup>۱</sup>

محمد رضا آقا جانی قناد<sup>۲</sup>

### چکیده

تأمین هزینه و معاش خانواده از مهم‌ترین حقوق و تکالیف مالی زوجین در حقوق ایران است. برخی از علما نسبت به حکم نفقه معتقدند، انفاق جزء قواعد آمره هست، اما در حال حاضر برخی از علما این نظر را دارند، که انفاق از قواعد تکمیلی است. که طرفین عقد می‌توانند، نسبت به میزان یا اسقاط آن به توافق برسند. بر اساس مبانی فقه امامیه، نفقه زوجه نه تنها دارای ویژگی‌ها و امتیازاتی نسبت به نفقه اقارب است؛ ماهیت آن نیز متفاوت است. این ماهیت متفاوت علت و مبنای امتیازات نفقه زوجه است، و حمایت از زوجه در چارچوب این ماهیت متفاوت جای دارد. نفقه زوجه برخلاف نفقه اقارب، از آثار وضعی قرارداد ازدواج است. و زوجه نسبت به آن حق مالکانه دارد. هیچ یک از شرایط تکلیف همچون قدرت و تمکن زوج در ایجاد این حق دخیل نیست و در صورت عدم پرداخت، دینی است بر ذمه شوهر که در هر زمانی قابل مطالبه است. بر این اساس، گذر زمان تأثیری در آن ندارد و ساقط نمی‌شود؛ در حالی که نفقه اقارب ماهیتاً حکمی تکلیفی و فاقد اثر وضعی است، یا حداکثر نوعی التزام و تعهد صرف محسوب می‌شود. به این سبب، حتی در صورت استتکاف منفق، دینی برای او ایجاد نمی‌شود، مگر اینکه بر اساس اذن حاکم، نفقه به عنوان قرض، از طرف شخص ثالث پرداخت شود. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که تمایزات نفقه زوجه و نفقه اقارب، بر مبنای تمایز دو تأسیس دین و تعهد در حقوق اسلامی، قابل توجیه است.

**واژه‌های کلیدی:** نفقه، اقارب، منفق و منفق علیه، زوجه، دین، تعهد، حکم وضعی.

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد الهیات (فقه و مبانی حقوق اسلامی)، قم، دانشگاه پیام نور مرکز قم.

۲ عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور مرکز قم.

## مقدمه

ازدواج امری است، که در همه ادیان با دیده تقدس و احترام به آن نگریسته‌اند. با ازدواج، زوجین نسبت به یکدیگر حقوق و تکالیف مالی و غیرمالی پیدا می‌کنند. یکی از مسائل مهمی که بعد از ازدواج مطرح می‌شود؛ مسئله تأمین هزینه و معاش خانواده است. فرزندان باید در فقه و حقوق اسلامی بر اساس ماهیت و احکام متفاوت، دو نوع نفقه وجود دارد: نفقه زوجه؛ انفاقی که شوهر باید به همسر خود بپردازد.

نفقه زوجه در مقایسه با نفقه اقارب دارای ویژگی‌ها و امتیازاتی از قبیل تقدم بر نفقه اقارب، قابلیت مطالبه نفقه ایام گذشته، تعلق آن به ترکه و ... است و همچنین از جهاتی با نفقه اقارب متمایز است. به‌عنوان مثال، نفقه زوجه یک تکلیف یک‌جانبه است و زن هیچ‌گاه، مکلف به دادن نفقه به شوهر خود نیست حتی اگر او متمکن و شوهر فقیر باشد؛ درحالی‌که نفقه اقارب به صورت بالقوه دوجانبه است (صفایی و امامی، ۱۳۸۵ ص ۱۳۳) نفقه زوجه، مشروط به فقر او و تمکن مرد نیست (ماده ۱۱۲۸ ق.م و بند ۲ ماده ۸ قانون حمایت خانواده) و در هر حال، زوج باید نفقه همسر خود را پرداخت نماید؛ درحالی‌که تمکن یک‌طرف و عدم تمکن طرف دیگر، شرط استحقاق نفقه اقارب است (مستفاد از ماده ۱۲۰۴ ق.م). از سوی دیگر، شناخت دقیق ماهیت نفقه زوجه و نفقه اقارب، در شنا دقیق مفهوم «دین» و مفهوم «التزام یا تعهد» مؤثر و یاری‌دهنده است. دو مفهوم دین و تعهد، در حقوق ایران، علیرغم اینکه بر اساس مبانی حقوق اسلامی ماهیت متفاوتی نسبت به یکدیگر دارند، از سوی برخی حقوقدانان در یکدیگر خلط گردیده و یکسان پنداشته شده و بسیاری از مفاهیم بنیادین حقوقی، از جمله مفهوم «مال کلی در ذمه» را تحت تأثیر خود قراردادده است از این رو، ابتدا ماهیت دین و تعهد را به عنوان مبنای تحلیلی موضوع تحقیق، تبیین نموده و آن دو را از زاویه حکم وضعی و تکلیفی بررسی می‌نماییم و آنگاه نتایج بحث را بر نفقه زوجه و نفقه اقارب تطبیق خواهیم کرد و سپس تمایزات ناگفته این دو را بررسی خواهیم کرد ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی نفقه زوجه را عبارت از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن دانسته است. تعاریف فقها و حقوقدانان از نفقه، به این تعریف شباهت بسیار دارد. به طور کلی می‌توان نفقه را عبارت از چیزی دانست که برای گذران زندگی لازم و مورد نیاز باشد (صفایی؛ امامی، ۱۳۷۶، چ نخست). این رویکرد سبب شده است تا برخی از حقوقدانان نفقه را همچون مهریه کلی، دین و به محض نکاح در ملکیت زوجه بدانند (عبدی پور؛ جعفری خسروآبادی، ۱۳۹۲ ص ۸). در مقاله «نفقه زوجه و اقارب، تقابل دو مفهوم دین و تعهد» هم به دقت به جنبه وضعی و تکلیفی نفقه زوجه و اقارب پرداخته شده است (عبدی پور؛ جعفری خسروآبادی، ۱۳۹۲) حقوقدانان و فقها به رغم تدقیق در مصداق و مقدار، به این جنبه از نفقه نپرداخته یا به شرح کلیاتی از آن اکتفا کرده‌اند. از بین کتاب‌هایی که در این زمینه به رشته تحریر درآمده است،

می‌توان به جلد هفتم کتاب مبسوط نکاح از حقوقی (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ هـ شهره، صادقی ۱۳۹۰) در عرصه مناسبات خانوادگی، از آنجا که موضوع کتاب نفقه و انفاق در حقوق خانواده است و همین که سخن از نفقه به میان می‌آید. پژوهش ما بر این فرضیه استوار است که «تبیین ماهیت نفقه زوجه و تقابل آن بانفقه اقارب و تمایز دو مفهوم «دین و تعهد» به لحاظ نظری تعامل تنگاتنگی دارند. و آن گاه نتایج بحث را بر نفقه زوجه و اقارب تطبیق خواهیم کرد و سپس تمایزات ناگفته این دو را بررسی خواهیم کرد. و این موضوع از نظر حقوقدان در ایران نادیده نگرفته شده و مورد بررسی قرار گرفته است. (ابراهیم عبدی‌پور، نصرالله جعفری خسروآبادی، فصلنامه شماره ۳۹، حقوق اسلامی سال دهم زمستان ۱۳۹۲)

### تعریف نفقه

نفقه در لغت به معنای هزینه و مخارج یا صرف و مصارف و خرج آمده است. (دکتر محمد معین فرهنگ فارسی، کلمه نفقه دهخدا علی‌اکبر لغت‌نامه کلمه نفقه) از نظر دستوری نفقه اسم است، و جمع آن نفقات یا نفاق است و مصدر آن انفاق و از باب افعال است، و در زبان عربی به ثلاثی مجرد نیامده و به صیغه مزید فیه آمده است، «انفق، ینفق، انفاق» انفاق به معنی خرج کردن هزینه کردن صرف کردن مال در راه تأمین مایحتاج زندگی دیگری است. (دهخدا علی‌اکبر لغت نامه ۶۷۳).

### اصطلاح حقوقی نفقه

نفقه در اصطلاح حقوقی از معنای آن چندان دور نیست، و آن عبارت از «هزینه‌ی ضروری و متعارف زندگی افراد واجب‌النفقه است به موجب قانون» و اتفاق به معنای دادن و پرداخت کردن مایحتاج ضروری افرادی است. که طبق قانون بر عهده دیگری است، این تعریف ریشه در تعریف فقها از نفقه دارد که از قرآن کریم اقتباس گردیده است. (آیه ۷ سوره طلاق و آیات ۱۹۶-۲۱۶-۲۹۷ سوره بقره).

نفقه از دیدگاه قرآن

آیات متعددی در باب نفقه وارد شده است که در دلالت این آیات بر اصل نفقه و تکلیف آن بر مرد جای هیچ تردیدی نیست. - «علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف». (بقره، ۲۳۳) بر صاحب فرزند لازم است که خوراک و لباس مادر را به طور متعارف بپردازد.

«لینفق ذوسعة من سعته و من قدر علیه رزقه فلینفق مما آتاه الله». (طلاق، ۷) در این آیه میزان انفاق، به توان انفاق کننده مقید شده و می‌فرماید: آنان که توانگر هستند به اندازه‌ی توانگری خودشان و آنان که تنگدستند از آنچه که خداوند به آن‌ها داده، انفاق نمایند. - «عاشروهن بالمعروف». (بقره، ۱۹) با آن‌ها به طور شایسته و پسندیده معاشرت نمایید. - «فامساک بالمعروف او تسریح باحسان». (بقره، ۲۲۹) یا آن‌ها (زنان) را به طور متعارف و شایسته نگهداری کنید یا با نیکی و احسان آن‌ها رها نمایید.

«الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض و بما انفقوا من اموالهم». (نساء، ۳۴) مردان سرپرست و خدمتگزار زنان هستند، به خاطر برتری‌هایی که خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به خاطر انفاق‌هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند. آیه اخیر دلالت روشنی بر تکلیف مردان نسبت به پرداخت نفقه برای زنان دارد و همچنین بیان کننده مبنا و حکمت این حکم می‌باشد. از این رو لازم است مورد بحث قرار گیرد. خداوند متعال در آیه فوق یک تکلیف را در مقابل یک حق قرار داده است.

### نفقه اقارب

یکی دیگر از انواع نفقه، نفقه اقارب است. اقارب جمع اقرب به معنای خویشان است و اقارب به معنی عام شامل سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از:

نفقه اقارب: یکی دیگر از انواع نفقه، نفقه اقارب است. اقارب جمع اقرب به معنای خویشان است و اقارب به معنی عام شامل سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از:

اقارب نسبی: که منظور اقاربی هستند، که یا از نسل یکدیگرند مانند پدر و مادر و فرزند که به آن خویشاوندان خط مستقیم گویند، که در این خط قرابت شخص را با اجداد و جدات خود قرابت «خط مستقیم صعودی» و قرابت شخص و با نوادگان خود را قرابت «خط مستقیم نزولی» گویند. و یا قرابت به سبب داشتن نسل مشترک است مانند قرابت خواهر و برادر که هر دو از یک نسل مشترک هستند که به این قرابت، قرابت «خط اطراف» گویند.

اقارب سببی: قرابتی است، که در اثر نکاح به وجود می‌آید یعنی پس از عقد نکاح خویشان زن و شوهر نسبت به دیگری اقارب سببی محسوب می‌شود.

اقارب رضاعی: قرابتی است، که از رضاع یا شیر خوردن از یک زن به غیر از مادر طفل تحت شرایط معینی به وجود می‌آید، که تنها از نظر حرمت نکاح در حکم قرابت نسبی است. در میان اقارب فوق در این مبحث مقصود از اقارب، اقارب نسبی است و در این میان هم تکلیف به انفاق تنها برای کسانی که قرابت آن‌ها در خط مستقیم (عمودی) باشد. مقرر است، به تعبیر دیگر نفقه اقارب بین اشخاصی وجود دارد، که بعضی از آن‌ها از بعضی دیگر به دنیا آمده باشند. براین اساس دو دسته از اقارب تکلیف به انفاق دیگری دارد که به بررسی آن می‌پردازیم.

## الف - نفقه اولاد (خویشان خط مستقیم نزولی)

نفقه اولاد بر طبق ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی به ترتیب بر عهده ۱- پدر ۲- اجداد پدری ۳- مادر ۴- اجداد و جدات مادری و جدات پدری است، تکلیف به انفاق توسط هر کدام از این‌ها منوط به این است، که طبقه قبلی وی نباشد، یا توانایی پرداخت نفقه را نداشته باشد، مثلاً پرداخت نفقه اولاد توسط اجداد منوط به عدم وجود پدر و یا عدم توانایی وی در پرداخت نفقه است. ب- نفقه پدر و مادر و اجداد «خویشان خط مستقیم صعودی»

بر طبق ماده ۱۲۰۰ قانون مدنی نفقه ابویین بر عهده اولاد و اولاد اولاد است، بر این اساس پرداخت نفقه ابتدا بر عهده فرزند بدون واسطه است، و در این مورد فرقی میان فرزند دختر و پسر وجود ندارد، و در صورتی که فرزند بدون واسطه نباشد و یا تمکن مالی نداشته باشد این تکلیف بر عهده اولاد اولاد یا نوه است و نفقه پرداختی توسط اولاد یا اولاد اولاد به طور مساوی بین پدر و مادر تقسیم می‌شود. (سایت حقوقی رهجویان عدالت)

## حق و تکلیف بودن نفقه اقارب

به رغم دیدگاه اکثریت فقیهان امامیه مبنی بر تکلیفی بودن، حکم نفقه اقارب، برخی فقیهان امامیه بلوغ و عقل و به طور کلی اهلیت «منفق» را برای ثبوت حق انفاق «منفق الیه» لازم نمی‌دانند، و فتوی آن‌ها این است: «در صورتی که «منفق» صغیر یا مجنون باشد، بر ولی یا قیم صغیر یا مجنون واجب است که از مال آن‌ها نفقه کسی که حق انفاق و پرداخت نفقه به او ثابت شده، را بپردازد و بعضاً تصریح نموده‌اند که به جز توانایی مالی و قدرت پرداخت، امر دیگری همانند شرایط عامه تکلیف یا مسلمان بودن منفق، شرط نیست؛ بلکه پرداخت نفقه خویشاوند قریب، از مال صغیر یا مجنون و بر کافر استگرچه نفقه گیرنده کبیر، عاقل یا مسلمان باشد (حلی سیوری، ۱۴۰۴ ج، ۳) (سیستانی ۱۴۱۷، ج. ۳، ص ۱۳۳) بررسی تحلیلی عبارات این دسته از فقها در این قضیه، مسئله را روشن تر می‌سازد؛ زیرا از دیدگاه ایشان، نفقه اقارب در واقع یک حکم تکلیفی محض نیست؛ بلکه در فرض ثبوت شرایط نفقه اقارب؛ یعنی دارا بودن منفق و نداری و نیازمندی منفق الیه، «حق الانفاق» برای مستحق نفقه ثابت می‌شود. به عبارت دیگر نفقه اقارب برای نفقه گیرنده حقی است، که به اموال منفق تعلق می‌گیرد، و ادای آن در هر حال واجب است. اگر منفق خود از شرایط عامه تکلیف برخوردار باشد، این تکلیف نفقه می‌تواند با اذن حاکم از مال وی به مقدار نفقه خود بردارد و در غیر این صورت می‌تواند با اذن حاکم بر ذمه منفق قرض بگیرد و نفقه خود را تأمین کند (سیستانی، همان، ۱۳۵) وجود چنین سازوکارهایی برای یعنی تأدیه نفقه قریب بر وی واجب است. و اگر فاقد شرایط تکلیف باشد، این تکلیف بر عهده ولی یا اجرای حکم نفقه اقارب و تعلق آن به اموال منفق و امکان تصرف در دارایی مستنکف برای آدیه نفقه منفق الیه، در

مجموع، این فرضیه را اثبات می‌کند که اگرچه نفقه اقارب ماهیتاً با نفقه زوجه متفاوت است و برای منفق توسط به دادگاه باشد و اگر اجبار مستنکف مکن نباشد، در صورتی که به اموال وی دسترسی باشد، مستحق دین و اشتغال ذمه ایجاد نمی‌کند؛ اما حکم تکلیفی صرف هم نیست. از یک سوی برای منفق تکلیف است و از سوی دیگر برای منفق الیه حق است و حق مطالبه و استیفای متعلق آن از محل اموال مستنکف را دارد.

## مصادیق نفقه

### الف) حدود و مصادیق نفقه در فقه:

شیوه زندگی بشر، در طول تاریخ دست خوش تحول بوده و هر روز ابزارهای قدیمی تبدیل به ابزار جدید می‌شود، و لوازمی که در گذشته وجود نداشت، در حال حاضر جزء لوازم ضروری و لاینفک زندگی شناخته شده است. بر همین اساس شرع مصادیق نفقه را تعیین نکرده است، و تمام آیات مربوط به انفاق، و جوب نفقه را به طور مطلق به عرف ارجاع داده و روایات مربوطه هم به امور متعارف اشاره می‌کند. از این رو «آنچه که عرف، آن را به عنوان نفقه و هزینه زندگی بشناسد، پرداخت آن بر شوهر واجب است». (مؤمن سبزواری، بیتا، ص ۱۹۵؛ محمد جواد، ۱۴۰۴ ق: ص ۳۹۳) به همین دلیل فقها در اعصار مختلف و مکانهای متفاوت نظریات متفاوتی را ابراز نموده‌اند، برخی چون علامه در تحریر الاحکام شش مصداق، (حلی، بیتا، ج ۲، ص ۴۷؛ ابن قدامه، ۱۴۰۴ ق: ج ۹، ص ۲۳۶) بعضی هشت مصداق (نجفی، ۱۳۶۶: ج ۳۱، ص ۳۳۱) و گروهی کمتر و بیشتر را متعرض شده‌اند. صاحب جواهر در این مورد می‌فرماید:

«روشن است که کلمات فقها (در مصادیق نفقه) دارای تشویش و اضطراب است، و بهتر آن بود، که همه اینها را به عرف و عادت ارجاع می‌دادند، و علی‌الظاهر آن‌ها از بعضی کتابهای اهل سنت تبعیت نمودند. که قضات دادگاهها، در مقام قضاوت به آن‌ها می‌پرداختند. زیرا بدیهی است، که اگر ملاک در نفقه، تمام مایحتاج زن باشد. استثنا کردن دارو، عطر، سرمه، هزینه حمام و حمامت وجهی ندارد، لذا اگر ملاک، زندگی متعارف باشد و نفقه عادت ارجاع شود. که مردان به زنانشان از حیث زوجیت انفاق می‌کنند، و فرقی هم بین موارد مذکور و غیر هم مذکور در آیات و روایات نیست.»

(همان، صص ۳۳۶-۳۳۷) بدین جهت شگفت آور خواندن فتوای برخی به طور مطلق وارد شده باشد، در نتیجه باید قائل به وجوب همه اینها شد، حتی غیر این موارد که قابل حصر نیست. پس نظر صحیح آن است، که همه این موارد با در نظر گرفتن حال زن، زمان، مکان و غیره، به عرف واز فقها (قمی، ۱۴۱۳ ق: ج ۴، ص ۴۴۱) در عدم احتساب اجرت حمام به عنوان نفقه مگر در صورت ضرورت توسط یکی از حقوقدانان قابل انتقاد است. (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ص ۱۸۷) زیرا همان‌طور که خود مستشکل معتقد است، عدم احتساب اجرت حمام در آن زمان قابل توجیه است؛ به جهت آنکه حمام در آن زمان امر غیرمتعارف و

مختص به طبقه خاصی بوده و خود میرزا قمی نیز در همان کتاب می‌فرماید: «مشهور بین علما این است که حدی بر آن «نفقه» نیست و موکول به عرف و عادت است». (قمی، ۱۴۱۳ ق: ج ۴، ص ۴۸۷) همان‌طور که بعضی از فقهای معاصر هم معتقدند: هزینه حمام چه برای غسل کردن یا برای نظافت کردن باشد، اگر حمام کردن در خانه متعارف نیست، یا به جهت سرما و عذری نمی‌تواند، در خانه حمام کند؛ اجرت و هزینه حمام جزء مصادیق نفقه است. (خمینی، ۱۴۰۳ ق: ج ۲، ص ۲۸۳، مسئله ۹) لذا هزینه حمام مشروط به آنکه حمام کردن در خانه متعارف نباشد؛ جزء هزینه‌های متعارف محسوب می‌شود و شاید در حال حاضر حمام جزء لاینفک مسکن باشد و حتی امروزه هم در بسیاری از کشورها چنین مخارجی متعارف نیست، لذا عدم هزینه برای چنین زنی وهن وی نیست. بنابراین نفقه یک امر کاملاً عرفی است که زمان و مکان و وضعیت اجتماعی و مسائل دیگر در آن مؤثر می‌باشد.

### (ب) حدود و مصادیق نفقه در قانون مدنی

در ماده ۱۱۰۷ ق.م. مصادیق و مواردی از نفقه بیان شده؛ [۱۹] اما همان‌طوری که حقوقدانان معتقدند: موارد مذکور در ماده فوق جنبه حصری ندارد، بنابراین هزینه دارو، درمان و بسیاری از چیزهای دیگر که جزء لوازم معاش متعارف است، و شامل نفقه می‌شود.

### دین و تعهد بودن نفقه

در دین بودن نفقه گذشته بین فقها و نیز حقوقدانان اختلافی وجود ندارد. همچنین از نوشته‌های فقها و اغلب حقوقدانان می‌توان برداشت کرد، که آنان نفقه آینده زوجه را نیز دین بر ذمه زوج نمی‌دانند؛ چراکه همان‌طور که خواهد آمد، درمورد ضمان از نفقه آینده یابه دلیل عدم وجود دین با آن مخالفت نموده یا با استناد به کفایت سبب دین، ضمان را صحیح دانسته‌اند. درباره نفقه جاری اما اغلب فقها و حقوقدانان، نفقه را دین متعلق به زوجه می‌دانند، که در ابتدای هر روز به ذمه زوج تعلق گیرد (کاشف الغطاء، ۱۳۸۱ هـ ج، ۱، ص ۵۱۴؛ سند بحرانی، ۱۴۲۸ هـ ص ۵۲۳؛ محقق داماد، ۱۳۹۰ ص ۲۹۲؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳ ص ۲۰۵) مطابق با این نظریه نفقه جاری زوجه همچون نفقه آینده تعهدی بر عهده زوج است. تعهد مذکور تنها جنبه تکلیفی نداشته و برای زوجه موجب حکم وضعی مطالبه و استحقاق است. پیش از این دانسته شد تعهد در بعضی مواقع تنها واجد حکم تکلیفی است که در آن صورت مطالبه تنها از باب امر به معروف و نهی از منکر بوده و نه مطالبه حق (موسوی خمینی، ۱۴۲۲ هـ ج، ۵، ص ۲۲۶؛ خویی، ابوالقاسم، ۱۳۷۷ ج، ۷، ص ۳۶۷) اما در مورد محل بحث، نفقه زوجه واجد حکم وضعی مطالبه است. به همین دلیل است که قانونگذار برای ایفای نفقه اقارب در ماده ۱۲۰۵ استقراض و ایجاد مدیونیت را شرط می‌داند؛ اما برای ایفای نفقه زوجه طی این مقدمات لازم نیست (عبدی پور؛ جعفری خسروآبادی، ۱۳۹۲ ص ۵۰) اگر ماهیت نفقه یک تکلیف شرعی باشد در این صورت شرط خلاف آن جایز نخواهد بود، همان‌طور که برخی از حقوقدانان

معتقدند سرپرستی شوهر بر خانواده تکلیف است و حق نمی‌باشد. از این رو توافق زوجین در میزان و اصل نفقه با مشکلی مواجه نمی‌شود. البته نفقه زوجه غیر از نفقه اقارب است؛ چرا که تکلیف الزام به انفاق در نفقه اقارب از باب وجوب مؤسسات و تکلیف شرعی محض است و نفقه برای نفقه‌گیرنده یک حق نیست.

### بررسی سایر ویژگیهای نفقه زوجه و اقارب

نظر به اینکه حکم نفقه اقارب یک تکلیف صرف یا حداکثر یک تعهد قانونی است و به خودی خود با گذر زمان تبدیل به دین نمی‌شود، قانونگذار زیرکانه به تبعیت از فقه امامیه راهکار دیگری اندیشیده است تا جهت جلوگیری از سوء استفاده شخص مستنکف به کار گرفته شود. قانونگذار در انتهای ماده ۱۲۰۵ ق.م.بیان می‌دارد «در صورتی که اموال غایب یا مستنکف از پرداخت نفقه در اختیار نباشد، همسر وی یا دیگری با اجازه دادگاه می‌تواند نفقه را به عنوان قرض بپردازد و از شخص غایب یا مستنکف مطالبه نمایند. در حالی که بر اساس مبانی فقه امامیه، نفقه زوجه به خودی خود، دین بر ذمه زوج است و نیاز به استقراض نیست، به بیان دیگر حکم مندرج در ماده ۱۲۰۵ راهکاری برای محقق شدن دین بر ذمه منفق است در حالی که در خصوص نفقه زوجه، این حکم از ابتدا وجود دارد و بنابراین، استفاده از راهکار وضعی این ماده در خصوص نفقه زوجه، ضروری نیست و ثالث می‌تواند از حاکم اذن در پرداخت دین زوج را بگیرد و نفقه زوجه را پرداخت و بعداً از باب ادای دین از جانب غیر مدیون، از زوج مطالبه نماید. به بیان دیگر پرداخت نفقه زوجه از سوی ثالث با توجه به اینکه ذاتاً دین است، نیاز به مکانیزم عقد قرض ندارد و جهت امکان مطالبه از مدیون، صرف اذن حاکم در پرداخت، کافی است. در خصوص نفقه اقارب نیز ممکن است بیان شود که اگر ثالث هزینه‌های واجب النفقه را به عنوان قرض به او پرداخت نماید، این مکانیزم قابل اعمال است و منفق باید قرض گرفته شده را ادا نماید (کاتوزیان، همان، ص ۳۴۳) مطابق فقه اسلامی و حقوق ایران، نفقه زن به عهده شوهر است. اما سؤالی در این مرحله مطرح می‌شود که آیا امر الزام به انفاق جزء قواعد آمره و غیر قابل تغییر است یا از قواعد تکمیلی قابل تغییر می‌باشد که طرفین عقد می‌توانند توافق دیگری درباره آن داشته باشند؟ همچنین آیا هنگام انعقاد قرارداد نکاح یا خارج آن زوجین می‌توانند درباره میزان نفقه یا عدم آن شرط دیگری نمایند؟ اگر ماهیت نفقه یک تکلیف شرعی باشد در این صورت شرط خلاف آن جایز نخواهد بود، همان طور که برخی از حقوقدانان معتقدند سرپرستی شوهر بر خانواده تکلیف است و حق نمی‌باشد. (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ص ۲۲۶) لذا الزام به انفاق یک حکم شرعی است، که شارع در روابط زوجین بر شوهر تکلیف نموده و نمی‌توان حکم شرعی را با توافق تغییر داد. اما اگر الزام به انفاق به عنوان حقوق زوجه و تعهد شوهر باشد، همان طور که مطابق مبنای نگارنده، ریاست شوهر از حقوق شوهر است که در مقابل تعهد و تکلیف انفاق وی می‌باشد، از حقوق زوجه به شمار می‌رود. در این صورت نفقه حق است. و حقوق هم در صورت فقدان دلیل خلاف، قابل اسقاط می‌باشد.



## تقدم نفقه زوجه دائمی بر نفقه اقارب

این ترتیب اگر کسی توانایی مالی کافی همراه با کدام به زوجه ش دائمی و ام به اقارب نسبی واجرب النفقه خود نفقه بادر این صورت تکلیف هوار این است، که به زوجه ش خود نفقه‌ی خودبدهد، و با این ترتیب زن در برابر خویشاوندان خود مقدم خواهد بود. قابل مطالبه بودن نفقه گذشته زوجه دائمی: طبق ماده‌ی ۱۲۰۶ قانون مدنی زن می‌توان نفقه گذشته خود را به عنوان دین از شوهر خود مطالبه کند. درواقع نفقه‌ی به عنوان طلب ودر ذمه‌ی شوهر قرار دارد و هر زمان که زن مطالبه کند. یا علیه شوهر اقامه دعوی نماید. حق وی باقی است. و حکم الزام شوهر به پرداخت آن صادر خواهد شد. ولی اقارب فقط نسبت به آتی‌هی حق مطالبه نفقه خواهند داشت. و نسبت به گذشته حق مطالبه و اقامه‌ی دعوی ندارند. به عبارت دیگر نفقه‌ی اقارب با گذشت زمان ساقط می‌شود، هرچند این حکم قانونی و منصفانه و منطقی نمی‌باشد. طلب زن بابت نفقه طلب ممتاز است. لذا در صورت ورشکسته شدن شوهر یا فوت وی و عدم کفایت اموال او برای پرداخت دیون طلب زوجه بر سایر بدهی‌های مقدم خواهد بود. اما نفقه اقارب واجب النفقه به استثنای نفقه‌ی اولاد که طبق تبصره‌ی ماده ۱۲ حمایت خانواده بر سایر دیون مقدم است. جزء طلب ممتاز محسوب نمی‌شود. نفقه‌ی زوجه دائمی تکلیف یک جانبه است یعنی در حقوق ایران هیچگاه زوجه تکلیف ندارد، که به شوهر خود نفقه پرداخت کند، و حال آنکه نفقه اقارب تکلیف متقابل است. نفقه‌ی زوجه مشروطه به تمکین شوهر و فقر زن نیست، بنابراین زوجه ثروتمند حق مطالبه‌ی نفقه از شوهر دارد، و در صورت امتناع شوهر از دادن نفقه به زوجه و عدم امکان الزوم و حتی در صورت عجز شوهر از دادن نفقه قانون به زن حق می‌دهد. که از دادگاه درخواست طلاق کند. (ماده ۱۱۲۹ ق.م.بند دوم ماده‌ی قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۳) ولی نفقه اقارب مشروط به تمکین منفق و عدم تمکین و نیاز منفق علیه است. (مواد ۱۱۹۷ و ۱۱۹۸ ق.م.)

### دین

برخی از حقوقدانان دین را جنبه منفی رابطه تعهد قلمداد کرده، و از آن به حق شخصی یا ذمی تعبیر کرده‌اند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸ الف، ص ۱۰۱) بنابراین دیدگاه، دین نوعی رابطه شخص با شخص دیگر پنداشته شده، و همین امر سبب شده است، تا بعضی دیگر از حقوقدانان نیز با بیان تقابل مفهومی حق دینی و حق عینی، مفاهیم عین و دین را نیز در برابر یکدیگر قرار دهند (کاتوزیان، ۱۳۸۶ ص ۱۴ - ۱۵).

مشهور فقها زمان استقرار دین بر ذمه زوج را ابتدای هر روز می‌دانند (سبزواری، بیتا، ج، ۴، ۲۵۳)؛ گزاره فوق، این پرسش را در ذهن ایجاد می‌کند، که چرا زوجه در ابتدای هر هفته، ماه یا سال مالک نفقه بر ذمه زوج نشود؟ به علاوه مگر نه آن است. که کلی جهت استقرار در ذمه و تبدیل به دین نباید از حیث وصف و

مقدار و جنس مجهول باشد؟ این در حالی است، که زوج در انتخاب نوع نفقهٔ پرداختی اختیار دارد. از یکسو، اگر نکاح سبب دین نفقه، برای استقرار آن بر ذمهٔ است.

تا علت ایجاد دین کامل شود؛ اما برخلاف نفقه معوقه که در ادامه تشریح می‌شود، زوج در ابتدای هر روز نیاز به وجود عنصر دیگری چنین علتی در نفقه جاری وجود ندارد. از سوی دیگر چنانچه نکاح سبب تعهد نفقه باشد، اعمال حقوقی‌ای که برای انجام آن‌ها وجود دین یا سبب آن ضروری است، موضوعاً منتفی خواهد بود. چالش‌های گفته شده نشان می‌دهد، نتایج حاصل از این پژوهش تنها نظریهٔ جنب ندارد، و می‌تواند در تقنین و به ویژه صدور احکام قضایی دقیق‌تر در دادگاه خانواده کارآمد باشد. (حامد خوبیاری دانش آموخته حقوق خصوصی دانشگاه اصفهان)

### تعهد

تعهد در زبان عربی از ریشه «عهد» گرفته شده است و در مصدر باب تفاعل و به معنای ضمانت، بر عهده گرفتن، پیمان بستن و..... خود را موظف کردن آمده است (شهیدی، ۱۳۸۴، ص ۴۱) لفظ تعهد در باب سقوط تعهدات، در معنای «مسبب» استفاده می‌شود. موضوع تعهد همواره فعلی از افعال است که ممکن است عملی مادی یا حقوقی باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص ۲۱) در برخی موارد متعلق تعهد به عمل حقوقی مال است، مانند تعهد به تملیک مال، و در برخی موارد متعلق تعهد، عملی از قبیل تعهد به اعطای وکالت است. نکته دیگر دربارهٔ تعهد آن است که خود تعهد ممکن است موضوع حکم تکلیفی یا وضعی باشد. توضیح آنکه برخی تعهدات مانند انفاق اقارب تنها جنبهٔ تکلیفی محض دارند، و در صورت تخلف، متخلف تنها مستحق عقوبت کیفری است و فرد واجبالنفقه حقی برای اقامه دعوا و مطالبه آن ندارد (ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی). برخی از فقها شروط فعلی را نیز که موضوع آن‌ها انجام عمل مادی است، از این قبیل تعهدات می‌دانستند که تخلف از آن‌ها تنها موجب ایجاد حق فسخ برای مشروط له است. (نعمت‌اللهی، ۱۳۸۸، ص ۳۴) البته این رویکرد امروزه و با توجه به ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی در میان حقوقدانان جایگاهی ندارد. یکی دیگر از آثار تفکیک تعهدات نفقه‌ای و غرامتی، امکان بازنگری و روزآمد سازی متعهد به در پرداخت‌های مستمر است. این تمایز از آنجا ضرورت دارد. که در نظام مسؤلیت مدنی، همه مسائل با صدور حکم قطعی پایان نمی‌پذیرد؛ زیرا غرامتی پر هزینه‌تر و از توان مالی عامل زیان خارج است؛ لذا از لحاظ منطقی و عدالت، پذیرفته نیست، که شیوهٔ یکسانی در این دو قسم به‌کار گرفته شود. جبران غرامتی اصولاً تعهدی در برخی موارد و به ویژه در زیان‌های جسمانی، خسارات یا شرایط از ثبات لازم برخوردار نیستند، فردی را می‌طلبند، و تعهدات نفقه‌ای، التزامی گروهی را اقتضاء می‌کنند. به واسطه خصلت استمراری، تکلیف متعهد اصولاً قابل اسقاط نیست. همچنین در صورت تردید در نفوذ مصالحه به که بتوان با صدور حکم قطعی آن‌ها را پوشش داد تعهدات نفقه‌ای در مقایسه با پرداخت‌های زیان متعهد له یا اشتباه

وی در گستره تعهد، باید راه اثبات بی اعتباری توافق را باز گذاشت. (مطالعات فقه و حقوق اسلامی علی قسمتی تبریزی صفحات ۱۸۱ تا ۲۰۸).

## دین یا تعهدی بودن نفقه وضعی یا تکلیفی بودن حکم آن

بر اساس مبانی حقوق اسلامی، مهم‌ترین ملاک تشخیص آثار احکام، تشخیص ماهیت حکم از حیث وضعی و تکلیفی بودن آن است، که در بخش قبل دو مصداق مهم از این احکام، یعنی دین و تعهد اجمالاً بررسی شد. در رابطه با ماهیت و آثار حکم نفقه نیز مهم‌ترین سؤال قابل طرح، دین یا تعهد بودن نفقه و وضعی یا تکلیفی بودن حکم آن است. در این خصوص در فقه اسلامی دو نظریه وجود دارد. (ابراهیم عبدی پور -نصرالله جعفری خسرو آبادی صفحه ۸) نابرین، در باب نفقات واجب، دو نوع نفقه وجود دارد: ۱-نفقه‌ای که اگر فرد متمکن از پرداخت آن نباشد، ساقط می‌شود، و صرفاً جنبه تکلیفی دارد، نه جنبه وضعی؛ مثل نفقه اقارب، که اگر فرد متمکن نبود، ساقط می‌شود و به صورت دین بر عهده شخص نمی‌آید. ۲- نفقه‌ای که اگر فرد متمکن از پرداخت آن نباشد، به صورت دین حقوق اسلامی، نفقه زوجه و اقارب، تقابل دو مفهوم (دین و تعهد) درمی‌آید، و جنبه وضعی دارد؛ مانند نفقه زوجه. بنابراین، هر وقت فرد متمکن شود، باید بپردازد، و اگر خودش هم تمکن نیابد، به صورت دین بر ذمه او باقی می‌ماند، و حتی بعد از فوتش، ورثه باید از اموال او که ممکن است در زمان حیات متوفا از مستثنیات دین بوده باشند، بپردازند (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ ج، ۲، ص ۱۶۵۶) درواقع به موجب آن، طلبی برای زوجه ایجاد می‌شود، که مشروط به تمکن مدیون نیست، و با گذر زمان ساقط نمی‌شود.

## قابلیت اسقاط و ابراء نفقه زوجه:

باتوجه به تفاوت ماهوی نفقه زوجه، نسبت به نفقه اقارب و وضعی بودن حکم آن درمقابل تکلیفی بودن حکم نفقه اقارب، از ویژگیهای متفاوت این دو، غیر قابل اسقاط بودن نفقه اقارب و قابل اسقاط بودن نفقه زوجه است. (بحرانی، همان، ص / ۵۲۳ حکیم طباطبایی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳۰۹) البته ناگفته نماند. که مراد از قابلیت اسقاط نفقه زوجه، نفقه گذشته اوست، که به صورت دین بر ذمه زوج قرار گرفته است؛ اما اسقاط نفقه آینده به دلیل عدم صحت اسقاط «ما لم یجب» ممکن نیست. بنابراین به دلیل ماهیت تکلیفی نفقه اقارب، اسقاط آن به هیچ وجه میسر نیست؛ اما اسقاط نفقه زوجه از این حیث با معانی روبرو نیست. مهم‌ترین تردیدی که تا کنون در باب ابراء و اسقاط نفقه زوجه مطرح شده، مربوط به زمان ایجاد دین و ایرادات ابراء و اسقاط ما لم یجب است. حکم این موضوع نیز تابع احکامی است که پیش از این گفته شد. آنانکه در ابراء و اسقاط، سبب دین و تعهد را کافی می‌دانند، قائل به صحت (حاجیان فروشانی، نقیسی، ۱۳۹۷، ص ۶۹؛ محقق داماد، ۱۳۸۸، ج، ۲، ص ۲۶۰) و آنان که برخلاف ضمان، سبب را جهت از بین بردن مسبب کافی نمی‌دانند، به بطلان این اعمال رأی داده‌اند (عبدیپور؛ جعفری

خسروآبادی، ۱۳۹۲ ص ۵۴). البته لازم به ذکر است که محل اضطراب آراء اندیشمندان، نفقه جاری و آینده زوجه بوده، و در امکان ابراء نفقه گذشته مخالفتی دیده نمی‌شود. تردید دیگری که در امکان اسقاط و ابراء نفقه زوجه مطرح است، ماهیت حقی یا حکمی نفقه است که البته در بین فقهای متأخر حق بودن نفقه و قابلیت اسقاط نفقه مستقبل از شهرت بیشتری برخوردار است (بحرالعلوم، ۱۴۰۳ هـ ج ۱، ص. ۳۰) آنچه در اینجا مطرح نظر بوده، قابلیت اسقاط یا ابراء از جهت فراهم بودن اسباب حق و دین است و نه ماهیت حقی یا حکمی نفقه زوجه. در اصطلاحات حقوقی اسقاط اعم از اعراض و ابراء بوده و هرچند اعراض به معنی روی گرداندن از لک (محقق داماد، ۱۳۸۸ ج ۲، ص ۲۷۰) و ابراء اسقاط دین در ذمه مدیون است (کاتوزیان، ۱۳۹۰ ص ۳۵۸) اما اسقاط اعم از آن دو بوده و شامل از بین بردن حقوق مالی و غیرمالی می‌شود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸ ب، ج ۱، ص ۱۲) و از آنجا که تعهد به پرداخت نفقه با عقد نکاح ایجاد می‌شود، با ایراد اسقاط ما لم یجب نیز روبرو نخواهد بود. پرسشی که ممکن است در اینجا مطرح شود آن است که آیا اسقاط حق زوجه نسبت به نفقه، تنها موجب از بین رفتن حق مطالبه او شده و دین پس از ایجاد به صورت طبیعی بر ذمه زوج باقی می‌ماند (همان، ص ۱۲۹)؟ به نظر می‌رسد برخلاف نظر بعضی حقوقدانان در فرض حاضر زوجه با اسقاط حق خود، تعهد زوج را از بین برده و از آن رو که تعهد قراردادی معدوم شده، تخلف از آن بی معنا بوده و اسباب ایجاد دین نیز از بین رفته است.

## نتیجه‌گیری

اغلب فقها و حقوقدانان زوجه را در ابتدای هر روز، مالک نفقه جاری خود بر ذمه زوج می‌دانند. بنابراین از نگاه ایشان نفقه جاری زوجه، دین است و زوج مدیون خواهد بود. باوجوداین مشخص شد، که برای اعتبار دین، باید اوصاف و جنس آن مشخص باشد. درواقع نمی‌توان زوجه را مالک خوراک بر ذمه زوج به نحو مردد بین مصادیق بسیار دانست. از سوی دیگر، دلیلی ندارد ذمه زوج را نسبت به نفقه امروز زوجه مشغول و نسبت به نفقه فردا بری پنداشت. به علاوه تغییر تعهد، از عهده به صورت دین بر ذمه، نیازمند دلیل است؛ اما در نظر مشهور دلیلی برای توجیه این تبدیل آورده نشده است. بر اساس دیدگاه گروهی از حقوقدانان، نفقه زوجه و اقارب هر دو از تعهدات قانونی محسوب می‌شود و تفاوت ماهوی با یکدیگر ندارند و نفقه زوجه در مقابل نفقه اقارب صرفاً از امتیازاتی برخوردار است؛ اما با تبیین مبانی فقهی - حقوقی معلوم گردید که نفقه زوجه از آثار وضعی قرارداد ازدواج است و نوعی حق مالی برای زوجه محسوب می‌گردد و درواقع به مثابه حکم وضعی است و نه تکلیفی و در صورت عدم تأدیه در ذمه زوج قرار می‌گیرد و زوجه مالک آن می‌گردد. از این رو، طبیعت حق زوجه نسبت به نفقه گذشته از جنس مالکیت است. بنابراین، بر خلاف نفقه اقارب، در تحقق نفقه زوجه هیچیک از شرایط تکلیف برای زوج ملاک نیست، بنابراین، مبنای تمایزات و ویژگیهای نفقه زوجه، در خصیصه وضعی آن نهفته است و حمایت از زوجه در چارچوب این اثر وضعی، پی ریزی شده است. تقابل این دو نوع نفقه، تقابل دین و تعهد

محسوب می‌شود و شناخت دقیق نفقه زوجه و اقارب بر شناخت دقیق دو مفهوم دین و تعهد در حقوق اسلامی، یاری دهنده است. در نظام‌های حقوقی رومی ژرمنی، دین و مسئولیت عناصر تعهد محسوب می‌شوند؛ اما در حقوق اسلامی، دین مال کلی است که به سببی از اسباب در ذمه مدیون ثابت می‌شود و ماهیتاً متمایز از تعهد و التزام است. بنابراین آنچه گفته شد نظر مشهور مبنی بر سببیت نکاح در ایجاد دین نفقه مخدوش است و نکاح تنها مقتضی تعهد به تسلیم و تأدیه از سوی زوج است؛ به همین دلیل، در نفقه جاری و آینده سبب دین مفقود است و ابراء آن بر خلاف اسقاط حق صحیح نخواهد بود. بر اساس مبانی فقه امامیه، نفقه زوجه نه تنها دارای ویژگیها و امتیازاتی نسبت به نفقه اقارب است؛ ماهیت آن نیز متفاوت است. این ماهیت متفاوت علت و مبنای امتیازات نفقه زوجه است و حمایت از زوجه در چارچوب این ماهیت متفاوت جای دارد. نفقه زوجه برخلاف نفقه اقارب، از آثار وضعی قرارداد ازدواج است و زوجه نسبت به آن حق مالکانه دارد. هیچ یک از شرایط تکلیف همچون قدرت و تمکن زوج در ایجاد این حق دخیل نیست و در صورت عدم پرداخت، دینی است بر ذمه شوهر که در هر زمانی قابل مطالبه است. بر این اساس، گذر زمان تأثیری در آن ندارد. و ساقط نمی‌شود، در حالی که نفقه اقارب ماهیتاً حکمی تکلیفی و فاقد اثر وضعی است، یا حداکثر نوعی التزام و تعهد صرف محسوب می‌شود. به این سبب، حتی در صورت استنکاف منفق، دینی برای او ایجاد نمی‌شود مگر اینکه بر اساس اذن حاکم، نفقه به عنوان قرض، از طرف شخص ثالث پرداخت شود. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که تمایزات نفقه زوجه و نفقه اقارب، بر مبنای تمایز دو تأسیس دین و تعهد در حقوق اسلامی، قابل توجیه است.

## منابع

### قرآن کریم

- خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، ۱۳۶۶ قم، مکتبه الاعتماد. ج ۴-۳-۱۴۰۳-ق
- مؤمن. سبزواری، محمد باقر بن محمد کفایه الاحکام، اصفهان مدرسه صدر مهدوی، بیتا
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۳۱، سال ۱۹۸۱. م
- قمی، میرزا ابوالقاسم، جامع الشتات. موسسه کیهان، ج، اول ۱۴۱۳، ق
- کاتوزیان. ناصر. حقوق مدنی خانواده. تهران. برنا. ج ۵، ۱۳۷۸
- محقق. داماد. سید مصطفی. ۱۳۹۰ بررسی فقهی حقوق خانواده تهران مرکز نشر علوم  
 ▪ چاپ شانزدهم
- کاشف الغطاء، علی بن محمد رضا بن هادی، النور السالع فی الفقه النافع، ج ۱، ۱، نجف اشرف: مطبعة الاداب، ۱۳۸۱ ق.
- سند. بحرانی، محمد. ۱۴۲۸، فقه المصارف و النقود مصطفی اسکندری، قم، محبین
- صادقی، شهره، ۱۳۹۰. نفقه زوجه در مذاهب خمس، قم، بوستان کتاب، چاپ نخست
- عبدی پور، ابراهیم، ثقفی علی، ۱۳۸۷، آرش شرط، فصلنامه حقوق اسلامی ۶۳-۸۵
- کاتوزیان، ناصر. ۱۳۸۶، اموال و مالکیت، تهران، میزان، چاپ بیستم
- جعفری، لنگرودی. محمد جعفر، حقوق خانواده. تهران، کتابخانه گنج دانش، ج دوم، ۱۳۷۶
- خویی، ابوالقاسم، (۱۳۷۷) مصباح الفقاهه، قم، داوری.
- حکیم، طباطبایی، سید حسن، مستمسک العروه الوثقی، ج ۱۰. بیروت دار حیات التراث العربی. ۱۴۱۳، ق
- بحرالعلوم، محمد، ۱۴۰۳ هجری قمری، بلغه الفقیه، تهران مکت الصادق، چاپ چهارم
- حلی، سیوری مقداد بن عبدالله، التنقیح الرایع لمختصر الشرایع. ج ۳، قم کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره) ۱۴۰۴، ق
- حقوق مدنی، امامی، سید حسن، تهران، انتشارات اسلامی، جلد ۶، ۱۳۷۰
- نجفی، شیخ محمد حسن فجواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۵، ص ۲۳، تهران انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵
- قمی، سید تقی، وراستنا من الفقه الجعفری، ج ۴، قم مطبعة الخی، ام، ۱۴۰۰، ق
- کاشف الغطاء، محمد بن حسین بن علی محمد رضا، تحریر المجله، ج ۲، نجف اشرف
- ، المکتبه المرتضویه، ۱۳۵۹، ق

- خوبیاری، حامد، ۱۳۹۷، بررسی تغایر مفاهیم، عین، منفعت، نفع، در فقه امامیه و حقوق ایران دو فصلنامه مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق، ۱۳۳، ۱۱۱، ۳۸، ۱۲.
- نعمت، اللهی، اسماعیل، ۱۳۹۱، اثر تعهد به تملیک در فقه امامیه و حقوق ایران فقه و اصول، ۲۰۰، ۱۸۱، ۱۴۴.
- شبیری، زنجانی، سید موسی، کتاب نکاح، ج ۲، قم موسسه پژوهشی راهبردی، ۱۴۱۹، ق
- حاجیان، فروشانی، نقیبی، ابولقاسم، ۱۳۹۷، شرط سقوط نفقه زوجه در ضمن نکاح پژوهشهای فقه و حقوق اسلامی، ۱۴، ۵۲، ۴۹، ۷۲.
- بحر العلوم، محمد، ۱۴۰۳، هجری، بلغه الفقه، تهران، مکتبه الصادق چاپ چهارم
- بنیاد حقوقی و داوری آموزشی فرهنگ تفاهم، همه چیز درباره نفقه،
- علی، قسمتی، مقاله، فقه و حقوق اسلامی، صفحات ۱۸۱ تا ۲۰۸
- عبدیپور، ابراهیم؛ جعفری خسروآبادی، نصرالله (۱۳۹۲) نفقه زوجه و اقارب، تقابل دو مفهوم دین، تعهد «فصلنامه حقوق اسلامی»، ۱۰ (۳۹) ۳۵-۶۱.
- دهخدا، علی اکبر: «لغت نامه»، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۴۷، ص ۶۷۳.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی خانواده، تهران، بهمن برنا، چاپ پنجم، ۱۳۷۸، ص ۱۸۷
- بهشتی صدر، محمد، بررسی تطبیقی نفقه اقارب در حقوق ایران، ۱۳۹۲، فصلنامه دانشگاه آزاد واحد نراق
- صفایی، سیدحسین و اسدالله امامی؛ مختصر حقوق خانواده؛ ج ۱۰، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۵
- ۳۴-صفایی، حسین؛ امامی، اسدالله (۱۳۷۶) مختصر حقوق خانواده، تهران: نشر دادگستر، چاپ نخست.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶) احکام بانوان، قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع)، چاپ یازدهم
- سیستانی، سیدعلی حسینی، منهاج الصالحین (للسیستانی)؛ ج ۳، ۱۴۱۷ ق.
- کاتوزیان، امیر ناصر (۱۳۸۶) اموال و مالکیت، تهران: میزان، چاپ بیستم
- خمینی، سید روح الله: «تحریر الوسيله»، قم، مکتبه الاعتماد، چ چهارم، ۱۴۰۳ ق
- کاتوزیان، امیر ناصر، (۱۳۹۱) نظریه عمومی تعهدات. تهران: میزان، چاپ ششم.
- نعمت اللهی، (۱۳۸۸) اسماعیل ضمانت اجرای شرط فعل حقوقی. فصلنامه حقوق اسلامی، (۷، ۳۶، ۲۳)
- کاتوزیان، امیر ناصر، (۱۳۹۰) ایقاع. تهران: میزان، چاپ پنجم.
- حکیم، طباطبایی، منهاج الصالحین (المحشی للحکیم) ج ۲، ۲، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۰ ق.